

چه کسی به مأمور کلانتری شلیک کرد؟

کامران علمدهی
روزنامه‌نگار

یکی از شب‌های پاییزی سال ۹۳ بود که سروان محمد جلالی کاشانی مأمور کلانتری ۱۳۹ مرزداران همراه سرباز وظیفه برای گشت در منطقه استحفاظی خود سوار بر خودروی پلیس راهی مأموریت شد.

در حالی که خیابان‌ها و کوچه‌ها زیر نگاه تیزبین سروان رصد می‌شد دقایقی بعد وقتی آنها در حال عبور از حاشیه و فضای سبز بزرگراه حکیم بودند ناگهان سروان متوجه مرد جوانی شد که بین درختان ایستاده و رفتارهای مشکوکی داشت. سروان برای بررسی ماجرا از خودرو پیاده شد و جلوتر رفت که متوجه شد مرد جوان در حال جاساز کردن بسته‌های مشکوک در فضای سبز است بنابراین بلافاصله به او دستور ایست داد اما مرد جوان شروع به فرار کرد در حالی که سروان می‌خواست به تعقیب وی برود ناگهان صدای شلیک چند گلوله شنیده شد و مأمور پلیس به شهادت رسید.

با اعلام این خبر تلاش برای ردیابی عامل جنایت آغاز شد و پلیس با اطلاعاتی که به دست آورد رد یک فروشنده مواد مخدر به نام مرتضی را به دست آورد اما شواهد نشان می‌داد وی همزمان با به شهادت رسیدن مأمور پلیس به مکان نامعلومی گریخته است.

با گذشت ۳ ماه از این حادثه سرانجام رد متهم را در خانه پدری‌اش واقع در اطراف کرج به دست آوردند و او را بازداشت کردند. در بازرسی از خانه نیز مقدار زیادی مواد مخدر و چندین فشنگ جنگی کشف و ضبط شد اما مرد جوان منکر شلیک به مأمور کلانتری شد و گفت: من ماه‌ها قبل به نورآباد لرستان رفته بودم و در آنجا مشغول کار و زندگی بودم.

در حالی که این مرد به اتهام قتل بازداشت بود سرانجام در بازجویی‌ها مدعی شد وی عامل شلیک به افسر پلیس بوده است و آن شب برای فرار از دست وی از فاصله دور اما روبه‌رو شلیک کرده است. پس از این اعتراف چندی بعد دختر و پسر جوانی با مراجعه به پلیس اظهارات عجیبی مطرح کردند.



سروان برای بررسی ماجرا از خودرو پیاده شد و جلوتر رفت که متوجه شد مرد جوان در حال جاساز کردن بسته‌های مشکوک در فضای سبز است به او دستور ایست داد اما مرد جوان شروع به فرار کرد در حالی که سروان می‌خواست به تعقیب وی برود ناگهان صدای شلیک چند گلوله شنیده شد و مأمور پلیس به شهادت رسید

چهارم دادگاه کیفری سپرده شد تا محاکمه شود. در جلسه دادگاه، نخست نماینده نیروی انتظامی در جایگاه ایستاد و گفت: با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده به نمایندگی از ناجا برای متهم اشد مجازات تقاضا دارم. سپس متهم در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: پسر دایی‌ام موافقش است. او روزانه ۵۰ هزار تومان به من می‌داد تا در فضای سبز حاشیه اتوبان که پاتوق معتادان و خریداران مواد مخدر است. کشیک بدهم و مراقب اوضاع باشم. من آن شب به مأمور پلیس شلیک نکردم اما به خاطر فشار روانی در زمان بازجویی‌ها به دروغ اعتراف کردم که من شلیک کرده‌ام.

دختر جوان به مأموران گفت: من و نامزدم در فضای سبز کنار بزرگراه قدم می‌زدیم که صدای شلیک چند گلوله شنیدیم. همان موقع پسر جوان و بلند قامتی را دیدیم که کیسه مشکوکی را بین شمشادها جاساز کرد و یک کلاه نقابدار روی سرش گذاشت و به سرعت محل را ترک کرد. وقتی اخبار مربوط به شهادت مأمور پلیس را شنیدیم متوجه شدیم آن شب چه اتفاقی رخ داده است. با اطلاعاتی که دختر و پسر جوان به پلیس داده بودند آنها با مشاهده عکس چند متهم از میان آنها مرتضی را به عنوان مردی که در تاریکی شب دیده بودند شناسایی کردند. بدین ترتیب پرونده متهم به شعبه

صدور حکم قصاص

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و مرتضی را به قصاص محکوم کردند. با اعتراض وی به حکم صادره پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی قرار گرفت و قضات شعبه ۴۷ دیوان عالی کشور نیز حکم قصاص او را تأیید کردند.

در حالی که مدت زیادی به اجرای حکم قصاص نمانده بود وی درخواست اعاده دادرسی کرد و قضات دیوان عالی کشور نیز درخواست وی را پذیرفتند. به این ترتیب پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه همعرض ارسال شد.

دومین جلسه محاکمه

در حالی که نزدیک به ۹ سال از این ماجرا گذشته بود مرتضی این بار در شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد.

در این جلسه وقتی متهم روبه‌روی قضات ایستاد، گفت: باور کنید من بی‌گناه هستم و بی‌دلیل ۹ سال در زندان هستم. من به مأمور پلیس شلیک نکردم و نمی‌دانم چه کسی به مأمور پلیس شلیک کرده است اما هیچ کسی حرف مرا باور نمی‌کند. در پایان جلسه قضات دادگاه با استناد به چند دلیل اعلام کردند در وقوع قتل از سوی این متهم شبهه جدی وجود دارد. یکی از دلایل آتن‌دهی گوشی موبایل متهم در نقطه‌ای دیگر غیر از محل حادثه بود. همچنین با توجه به اینکه کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کرده بودند شلیک از پشت سر و از فاصله نزدیک به سر مأمور پلیس رخ داده و این با اعترافات متهم که گفته بود از فاصله ۵۰ تا ۱۰۰ متری و از روبه‌رو شلیک کرده بود تناقض داشت قضات به این دلایل و با استناد به مدارک موجود در پرونده و همچنین با این احتمال که دختر و پسر شاهد ماجرا در شناسایی متهم از روی عکس اشتباه کرده باشند وارد شور شدند. بدین ترتیب قضات شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران مرتضی را از اتهام قتل تبرئه کردند اما حکم صادره به دیوان عالی کشور رفت تا قضات دیوان بار دیگر پرونده را بررسی کنند.

بسه اعتیاد نه بگوئیم

سردار سعید منتظرالمهدی
معاون فرهنگی اجتماعی فراجا

ناگفته پیداست که مثلث فرد، خانواده و سیستم آموزش و پرورش، پازل اصلی پیشگیری از اعتیاد است.

فرد

اینکه افراد متعادل و خودکنترل‌گر می‌توانند زندگی‌شان را حفظ کنند و خودشان را سالم و شاد نگاه دارند، بسیار مهم است. خودکنترل‌گرها،

تأخیر در لذت را تکرار و تمرین کرده‌اند و به هر لذت شیرین‌تری، جواب مثبت نمی‌دهند. اما اگر فرزندان به حال خود رها شوند، در دایره همسالان نابخرد باشند یا در محیطی قرار گیرند که یک رخداد ناخوشایند مانند اعتیاد افراد نزدیک در خانواده بطور مداوم جریان داشته باشد؛ در نهایت تسلیم خواسته‌های مغز شده و پای در مسیر وحشت افزا و تاریک اعتیاد می‌گذارند.

خانواده

پدران و مادران در پیشگیری از اعتیاد فرزندان نقش اصلی و اساسی را برعهده دارند. شاید پدر و مادری، خودشان معتاد نباشند اما رفتارهای غلطشان می‌تواند فرزند را به حوزه اعتیاد سوق دهد. رابطه نوجوان-والد، نقطه آغازین پیشگیری از اعتیاد است. متأسفانه اعتیادشویی بحران جدید والدگری است؛ والدین ناآگاهی که قبح اعتیاد به مواد را در نزد فرزندان می‌کاهند.

سیستم آموزش

نقش معلمان و مربیان نوجوان و جوانان نیز نباید از نظر دور بماند؛ هرچه احساسات عمیق و سالمی بین معلمان، مشاوران، مربیان تربیتی، مدیران و سایر دست‌اندرکاران مدرسه که وظیفه تربیت نسل آینده و رسالت انسان‌سازی متعالی را برعهده دارند، با دانش‌آموزان برقرار باشد؛ بی‌شک از آمار اعتیاد در این سنین حساس کاسته خواهد شد. وجود جوّ بی‌روح و خشک در

کلاس‌های درس، ارتباط یک‌سویه معلم با دانش‌آموزان و... می‌تواند زمینه‌ساز تمایل دانش‌آموزان به سمت اعتیاد باشد. عدم یادگیری مهارت‌های زندگی، ناتوانی در نه گفتن، نگرش مثبت به مواد مخدر در سنین بلوغ، حضور در جمع‌های دوستانه بدون کنترل و نظارت و... از جمله عوامل خطر ساز است. در نهایت باید اذعان کنیم که با بهره‌گیری از انواع متدهای علمی و عملی باید تاب‌آوری روانی را

در سطح جامعه بالا ببریم. تقویت ظرفیت و توانمان در مقابله با انواع آسیب‌هایی که قرار است از بیرون به ما تحمیل شود، یک اصل مهم در عدم برگزیدن گزینه خوفناک اعتیاد در زندگی است. این تاب‌آوری، وجود اعتیاد را نفی نمی‌کند و نمی‌تواند آن را از میان بردارد اما کمک می‌کند تا ما با «نه گفتن» به اعتیاد که لذت‌آنی و سرخوشی کاذب لحظه‌ای را در پی دارد، راحت‌تر کنار بیاوریم.